



تعامل ایران با جهان در پرونده هسته ای؛ با تأکید بر آراء برایان فی

دکتر محمد توحیدفام^۱ و شقایق حیدری^۲

چکیده

فراپست مدرن ها، در جهان امروز که گاه از آن با نام دهکده جهانی یاد می شود، قائل به امکان گفتگو، مفاهمه و حوزه عمومی مشترک هستند. این گروه از اندیشمندان، همانند برایان فی، با دوگانه انگاری ها و سیاه و سفید دیدن پدیده ها، مخالفند. از این روی، آنها فراسوی تفاوت ها، به دنبال درک مشترک و دستیابی به تفاهمند. از نگاه آنها، فضای گفتگو و تعامل می تواند روحیه مدارا و تسامح را، در عین فهم متقابل، ایجاد کند. فرض اساسی مقاله حاضر بر این اصل استوار است که بهترین شیوه حل و فصل پرونده هسته ای ایران، با بهره گیری از تعامل گرایی برایان فی و نظریه سازه انگاری، استفاده از تفکر دیالکتیکی دوسویه ایران با جامعه جهانی می باشد. لذا به نظر می رسد در این راستا، استفاده از «استراتژی تعامل با جهان»، از طریق «اعتمادسازی»، «رفع تنش» و «عقلانیت ارتباطی»، طی یک فرآیند پویا و عملگرایانه امکان پذیر باشد. از این طریق می توان اجماع جهانی بر علیه ایران را، با بهره گیری از فضای گفتگو و مفاهمه، به هم زد؛ و این رویکرد مستلزم استفاده از «سیاست تعامل» به جای «سیاست تقابل» با جهان است. با این شیوه ایران نه تنها امکان دستیابی به فناوری پیشرفته هسته ای، در سطوح بالا، را به دست می آورد، بلکه از تبعات سیاست تقابل گرایانه با جهان، از جمله اجماع جهانی بر علیه ایران و یا اعمال تحریم های گسترده توسط جامعه جهانی، رهایی پیدا می کند.

واژگان مهم: فراپست مدرن، تعامل گرایی، برایان فی، دیالکتیک، سازه انگاری، پرونده هسته ای ایران.

^۱دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Tohidfam_m@yahoo.com
^۲دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی Heidari.shaghayegh@yahoo.com



مقدمه

در تقابل با دو موج معرفت‌شناسانه مدرن و پست‌مدرن، پارادایم معرفت‌شناسانه جدیدی ظهور پیدا کرد، که از آن به عنوان دوره فراپست مدرن یاد می‌شود. این موج جدید معرفت‌شناسی فراتر از دو موج پیشین و در نقد و بازسازی آنها ظهور یافت. فراپست مدرن ها ضمن پذیرش نقش مفروضات و علایق مختلف، عبور از این علایق را در راستای وصول به حقیقت ممکن و مقدور می‌دانند. آنها نگاه فرآیندی، هیبریدی را جایگزین دوگانه انگاری ها می‌کنند و معتقدند از طریق گفتگو و مفاهمه می‌توان به درک مشترک دست یافت. این رویکرد معتقد است عوامل هم مختارند و هم در درون محدودیت ساختاری قرار دارند، ولی در عین حال واقعیاتی موجود است که می‌تواند جنبه عام داشته باشد. همچنین، ما در یک ساختار کلی و کلان که پیش از ما موجود بوده است، دست به انتخاب و فعالیت می‌زنیم؛ ولی در عین حال در یک تعامل و دیالکتیک دوسویه هم می‌سازیم و هم ساخته می‌شویم (توحیدفام، ۱۳۸۷).

نگاه فراپست مدرنیته ای، دوگانگی های موجود مانند سیاه/سفید، متمدن/غیرمتمدن، غرب/شرق و ... را می‌شکند. رسیدن به یک الگوی گفتگویی و تفاهم عمومی و عقلانیت ارتباطی یکی از ره‌آورد‌های مثبت رویکرد فراپست مدرن است. بازاندیشی در سیاست ها و پایبندی به ارزش های جهانشمول، که به صورت مشترک مورد پذیرش است، می‌تواند جوامع را به صلح پایدار رهنمود سازد. فراپست مدرنیسم بر آن است که دیدگاهی فراگیر ارائه کند که در آن تکرر بازنمایی از حقیقت باشد (Hickman, 2007: 30-32).

برایان فی معتقد است که سودای تعامل گرایی هم آمیزی پویایی است که در آن طرفین دائماً تغییر می‌کنند و تعامل گرایی مشوق این نوع هم آمیزی پویا است. در این فرآیند، اختلافات مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرند؛ و می‌توان با دیگران، با وجود تفاوت هایشان با ما، وارد تعامل شویم (فی، ۱۳۸۶: ۴۰۴-۴۰۲).

فرضیه مقاله حاضر، با توجه به مکتب تعامل گرایی برایان فی، بهره‌گیری از نظریه سازه انگاری و با نگاه معرفت‌شناسانه فراپست مدرن، این است که بهترین شیوه حل و فصل پرونده هسته ای ایران اتخاذ رویکرد تعامل گرایانه با جهان است. این رویکرد، در واقع، می‌تواند منجر به ایجاد نوعی عقلانیت ارتباطی در سیاست های هسته ای کشور شود. از این رو نحوه مواجهه با جهان با طرح و تأکید بر مفهوم محوری «تعامل سازنده» می‌تواند نتایج مثبتی در روند پرونده هسته ای ایران داشته باشد.

بر اساس رویکرد تعامل گرا، سیاست خارجی مطلوب در پرونده هسته ای ایران باید یک سیاست خارجی فعال، تعاملی، پویا و فرصت ساز باشد و نمی‌تواند در مسیری تقابل گرایانه با جهان به ثمر نشیند؛ بلکه از طریق تعامل سازنده، آرامش، ثبات، امنیت و نیازمندی های لازم برای تحقق گفتگو و مفاهمه فراهم خواهد شد.

مکتب تعامل گرایی

مکتب «تعامل گرایی»^۱ یکی از مکاتب دوره فراپست مدرن و یکی از پرسپکتیوهای مسلط جامعه‌شناسی در دنیای امروز است. این مکتب می‌گوید که بشر مشارکت فعالی در ساخت خود، دیگران و جامعه دارد؛ و جهان معنا و جامعه طی تعامل با دیگران ساخته می‌شود. همچنین، توجه خاص آن بر اعمال و افعال کنشگران است، که طی یک فرآیند پویا به ثمر می‌نشینند. توسعه این مکتب به نیمه دوم قرن بیستم، و به کارهای «برایان فی»^۲ باز می‌گردد (Hartley, 1992).

نظریات برایان فی

«برایان فی»، که از وی به عنوان یک جامعه‌شناس انتقادگرا یاد می‌شود، مکتب تعامل گرایی را به شکل امروزی آن بسط داد. برایان فی نخست خطوط کلی عقاید اصلی و رایج در باب ارتباط نظریه اجتماعی با عمل سیاسی را ترسیم می‌کند و از سوی دیگر، درصدد بسط موضعی انتقادی نسبت به این عقاید است (Fay, 1987: 27-30). وی به این سؤال پاسخ می‌دهد که دانش ما درباره زندگی اجتماعی چگونه زندگی ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا باید قرار بدهد؛ بدین ترتیب وی می‌کوشد نظریه و عمل را در هم ادغام کند (فی، ۱۳۸۳: ۱۴۵-۱۳۰).

¹ Interactionism.

² Brian Fay.



وی معتقد است که ما همگی در یک جهان زندگی می‌کنیم، هرچند با تفاوت، چپستی خویشتن بسته به رابطه با دیگران است؛ خویشتن‌ها ضرورتاً توانایی‌ها و استعداد‌های بنیادین مشترکی دارند که یکی از مهمترین آنها توانایی و استعداد عمل کردن است (Fay & Moon, 1994: 211-216). این روندی پویا است؛ فهم ما از خودمان و فهم ما از دیگران تغییر می‌کند. خویشتن، نوعی از بودن است که در فرایند تعامل با دیگران و تعامل با محیط هر بار از نو ساخته می‌شود؛ و قصد و نیت کاری بدون وجود دیگران و وجود محیط اجتماعی، ممکن نیست.

همچنین، وی می‌گوید که بسیاری از تفکرات اجتماعی شامل مقولات متضاد و متقابل است خویشتن در برابری دیگری؛ ذهنیت در برابر عینیت؛ خودی در برابر غیر خودی؛ متمدن در برابر بدوی؛ مرد در برابر زن؛ سفید در برابر سیاه. همین تفکر دوگانه انگارانه به فرانظریه‌ها در فلسفه علوم اجتماعی آسیب می‌رساند: این نوع تفکر ذهنیتی «این یا آنی» به بار می‌آورد که در آن یک مقوله ضد فرضی اش را از صحنه می‌راند. اما بسیاری از مقولات سیال و باز هستند. غالباً یک طرف دوگانگی بستگی به طرف دیگر دارد و نیازمند آن است، که در این حالت دوگانگی بنیانش سست می‌شود. غالباً یک موجودیت می‌تواند در هر دو مقوله باشد؛ یا یک مقوله تدریجاً به سمت آن طرف مقابل و ضد فرضی اش بلغزد، یا شقوق دوگانه مبتنی بر پیش فرض‌های مغالطه‌آمیزی باشند که به اشتباه طیف انتخاب‌های ممکن را محدود می‌کنند.

اغراق کردن در تفاوت‌های میان خویشتن و دیگران، میان ما و آنها، میان اعضاء و غیر اعضاء بسیار آسان است. اما یکسانی و تفاوت نیازمند یکدیگرند. ما به واسطه روابطمان با دیگران آن شخص هستیم که هستیم؛ در واقع، تمام هویت‌های شخصی اساساً خصلت‌گفت و شنودی دارند. بدون درک و فهم دیگران درک و فهم خویشتنی در کار نیست و گستره خود آگاهی ما محدود به گستره شناخت ما از دیگران است. برای آنکه دیگری را متفاوت بدانیم باید جهات شباهت‌هایمان را هم معین کنیم. بدین ترتیب، باید فرایندی فکر کنیم و حرکت-دگرگونی، تکامل و تحول، تغییر-را در همه جا ببینیم. یکی دیگر از مباحث وی این است که عاملان فقط به این دلیل عامل هستند که در درون سیستمی قرار گرفته‌اند که همزمان هم به آنها قدرت می‌بخشد و هم مقید و محدودشان می‌کند (پیشین، فی، ۱۳۸۶: ۴۲۲-۴۱۶).

پس از مطالبی که در زمینه مکتب تعامل‌گرایی و نظریات برایان فی، در ابتدای این مقاله آورده شد؛ برای توضیح بخش نظری موضوع، یعنی تعامل ایران با جهان در پرونده هسته‌ای، مباحثی را در زمینه نظریه سازه‌انگاری مطرح می‌کنیم.

نظریه سازه‌انگاری

از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ «سازه‌انگاری»^۱ به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۵۴۶). این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معناسازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این فرآیند است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۵).

در سازه‌انگاری از آن‌جا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولت‌ها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند؛ هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود. نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات بوجود می‌آیند.

این رویکرد صرفاً بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده، بلکه اولویت اصلی را به انگاره‌ها و اندیشه‌ها می‌دهد و تمرکز اصلی‌شان بر روی اعتقادات بین‌الذهانی که در سطح گسترده میان مردمان جهانی مشترک‌اند، قرار می‌دهند. منافع و هویت‌های انسانها از طریق همان اعتقادات مشترک شکل گرفته و تبیین می‌شوند (لینک لیتر، ۱۳۸۶: ۲۱۰-۲۰۸). در چارچوب تحلیل سازه‌انگاری نمی‌توان سیاست بین‌الملل را در حد یک سلسله تعاملات و رفتارهای عقلایی و در چارچوب‌های صرف مادی و نهادی در سطوح ملی و بین‌الملل تقلیل داد؛ زیرا تعاملات دولت‌ها بر اساس یک سلسله منافع ملی تثبیت شده، شکل نگرفته است. بلکه در طول زمان به صورت نوعی الگوی رفتاری از طریق هویت‌ها شکل می‌یابند و یا باعث تشکیل هویت می‌شوند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۴۳). از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد؛ بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود.

¹ Constructivism.



مروری بر تاریخچه پرونده هسته ای ایران

نخستین حرکت یا سرآغاز فعالیت های هسته ای ایران به موافقتنامه همکاری هسته ای غیرنظامی ایران و آمریکا در سال ۱۹۵۷ برمی‌گردد. طبق این قرارداد، آمریکا چند کیلوگرم اورانیوم غنی شده به ایران اجاره داد. به علاوه در زمینه‌های مربوط به آن با ایران همکاری کرد (غریب آبادی، ۱۳۸۶).

یک سال بعد از امضای موافقتنامه ایران و آمریکا، دولت وقت ایران در سال ۱۹۵۸ به عضویت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA) درآمد و در سال ۱۹۶۷، راکتور تحقیقاتی پنج مگاواتی در دانشگاه تهران راه اندازی شد. این راکتور توسط آمریکا به ایران تحویل داده شد (حیدری، ۱۳۸۳).

در چارچوب حمایت غرب از ایران، در تاریخ ۱۹۷۶/۶/۴ قرارداد خرید دو راکتور ۱۲۰۰ مگاواتی برای نصب در نیروگاه بوشهر بین ایران و آلمان غربی به امضا رسید. در ضمن دو راکتور ۹۰۰ مگاواتی نیز برای نصب در بندرعباس از فرانسه خریداری شد. در اوت ۱۹۷۵ شرکت گرانت ورک یونیون (KMU) آلمان غربی و سازمان انرژی اتمی ایران قراردادی امضا کردند که براساس آن، کار روی نیروگاههای هسته ای در ایران را به خود اختصاص داد. در اکتبر ۱۹۷۷ فرانسه نیز با ساخت دو نیروگاه هسته ای با ظرفیت ۹۰۰ مگاوات در دارخوین، نزدیک اهواز، با ایران به توافق رسید و در دسامبر ۱۹۷۷ دولت آلمان غربی با دریافت ۴/۸ میلیارد دلار، مجوز ساخت چهار راکتور هسته ای را به شرکت گرانت ورک یونیون داد ولی بتدریج شرایط تغییر کرد (ابوالفتح، ۱۳۸۴).

در سال ۱۳۵۵ شرکت یوردیف فرانسه و ایران نیز همکاری هسته ای را آغاز کردند، شرکت مزبور ویژه غنی سازی اورانیوم است. ایران حدود ۲۰ الی ۲۵ درصد سرمایه آن را پرداخت تا بتواند به راحتی اورانیوم غنی شده برای سوخت نیروگاه های اتمی خود را تهیه کند (شعبانی سارویی، ۱۳۸۵).

در سال ۱۳۵۹ با پیروزی انقلاب، عملیات ساخت نیروگاه بوشهر عملاً متوقف، و در طول جنگ ایران و عراق تأسیسات موجود چندین بار مورد حمله هوایی عراق قرار گرفت، که در اثر آن آسیب هایی به تجهیزات و ساختمان های موجود وارد شد. در بحبوحه جنگ ایران و عراق و کمبود شدید منابع نیرو در کشور، ایران با روی آوردن به اسپانیا و ژاپن کوشش در تکمیل پروژه بوشهر کرد که موفقیت آمیز نبود. سپس قراردادی با روسیه برای به انجام رساندن کار نیروگاه بوشهر امضا شد که کار آن هنوز ادامه دارد و چند بار زمان پایان پروژه به تعویق افتاده است. در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۷۳ قرار داد تکمیل و راه اندازی واحد یک نیروگاه اتمی بوشهر به صورت مشارکتی بین ایران و روسیه منعقد گردید و در مرداد ماه ۱۳۷۷ بار دیگر این قرار داد مورد بازبینی کلی قرار گرفت و ساخت نیروگاه به صورت کلید در دست به شرکت Export Stroy Atom روسی محول شد و قرار بود تا آغاز سال ۲۰۰۰ به پایان برسد. در ۲۵ اوت، ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) تهران و مسکو موافقتنامه جامع همکاری های هسته ای را امضا کردند. حدود سه سال بعد، یعنی هشتم ژانویه ۱۹۹۵ شرکت روسی اتم استروی اکسپورت عملیات تکمیل نیروگاه را به عهده گرفت. بر اساس اولین تاریخ مورد توافق طرفین، قرار بود نیروگاه اتمی بوشهر در هشتم ژوئیه ۱۹۹۹ تکمیل شود اما تاریخ بهره برداری از آن، تاکنون حدود ۱۲ سال است که به تعویق افتاده است.

ایران با امضای پیمان عدم تکثیر سلاح های هسته ای (N.P.T) در سال ۱۹۶۸، از حق استفاده از انرژی صلح آمیز هسته ای برخوردار گشت. در سال ۲۰۰۳ میلادی، محمد خاتمی، رئیس جمهور وقت ایران، خبر از تهیه سوخت هسته ای توسط متخصصین ایرانی برای نیروگاه های هسته ای ایران داد. در سال ۱۳۸۵ ایران اعلام کرد که موفق به غنی سازی اورانیوم به میزان ۳۵ درصد شده است و آبشار دوم مرکز گریزهای گازی خود را راه اندازی کرده و در آن به غنی سازی اورانیوم پرداخته است. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران، ۲۲ فروردین ۱۳۸۵ در مشهد، دستیابی ایران به چرخه تولید سوخت هسته ای را اعلام کرد. همچنین، ۲۰ فروردین سال ۱۳۸۶ دستیابی ایران به فناوری هسته ای و غنی سازی اورانیوم در نطنز اعلام شد. اکنون، نیز، ایران به جمع اعضای کم شمار باشگاه کشورهای اتمی پیوسته است (دلاور پور اقدم، ۱۳۸۷: ۶۴-۵۸).

بررسی روند پرونده هسته ای ایران

در پی دستاوردهای هسته ای ایران و انعکاس آن در گزارشات بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی هسته ای، توجه جهانی به ایران نیز افزایش یافت. براین اساس از این دوره به بعد، ایران اقداماتی را در جهت شفاف سازی و آگاهی افکار عمومی نسبت به صلح آمیز بودن فعالیت های هسته ایش آغاز کرد.

مشکل ایران در واقع از بعد از حمله تروریست ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به آمریکا شروع شد. حدود چهار ماه و نیم پس از این حمله در ژانویه ۲۰۰۲، جورج بوش، رئیس جمهور وقت آمریکا، سخنرانی مهم سالیانه خود را در مورد نکات اصلی سیاست های داخلی و خارجی آمریکا برای مردم



آمریکا ایراد نمود. در این سخنرانی بوش از ایران، عراق و کره شمالی به عنوان محور شرارت نام برد. از آن پس به دلیل مبارزه با تروریسم جهانی ایران زیر زره بین قرار گرفت؛ هم زمان گزارش های اسرائیل، اطلاعات دقیقی که مجاهدین درباره هسته ای ایران دادند، موجب توجه بیش از پیش به ایران شد. گروه مجاهدین اطلاعات خود را در اختیار آژانس بین المللی هسته ای قرار دادند و تدریجاً پس از پاره ای بازرسی ها صحت قسمی از این اطلاعات تأیید گردید. پس از آن، شبکه تلویزیونی CNN آمریکا عکس های ماهواره ای از تأسیسات نطنز و اراک را پخش نمود و وانمود کرد که گویی این دو سایت هسته ای را که برای ساخت سلاح اتمی ایجاد شده است، کشف کرده اند. دولت و رسانه های آمریکایی، اعلام کردند که ایران این تأسیسات را از چشم بازرسان آژانس دور نگه داشته بود. بازرسی های آژانس به صورت ادواری صورت می گیرد؛ در طول دهه ۱۹۹۰، که سوء ظن هایی نسبت به برنامه انرژی هسته ای ایران پیدا شده بود، دبیرکل وقت آژانس بارها به منتقدان اطمینان داد که بر اساس بازرسی های معمول آژانس هیچ گونه فعالیت غیر قانونی در ایران مشاهده نشده است. ولی وقتی در سال ۲۰۰۲ نگاه ها به طور دقیق تری متوجه ایران شد، بازرسی های مخصوص شروع گردید و تعداد آنها مرتباً افزایش یافت. از ابتدای سال ۲۰۰۳ پرونده ایران در دستور کار «شورای حکام»^۱ آژانس قرار گرفت.

متعاقب آن شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی در سپتامبر ۲۰۰۳ قطعنامه ای را بر ضد ایران صادر و ضرب الاجلی را برای تهران تعیین کرد که براساس آن ایران باید تا پایان اکتبر ۲۰۰۳ به طور مستند اثبات می کرد که برنامه ای برای تولید تسلیحات اتمی و غنی سازی اورانیوم ندارد (Dueck & Takeyh, 2007). این آغاز صدور چندین قطعنامه و اعمال تحریم های گسترده بر علیه ایران بود.

در حال حاضر، بحران هسته ای ایران، بیش از هر موضوع دیگری مورد توجه بازیگران اصلی نظام بین المللی می باشد. ایران همواره بر این موضوع که «استاندارد دوگانه ای» در مورد اغلب عناصر امنیت بین المللی و نقشی که کنترل تسلیحات باید در تأمین امنیت کشورهای کمتر توسعه یافته ایفا کند، تأکید داشته است. از نگاه ایرانیان، آزردهنده تر از هر موضوع دیگری باید به این حقیقت اشاره کرد که در منطقه آسیای جنوب و خاورمیانه سه قدرت هسته ای (هندوستان، پاکستان و اسرائیل) حضور دارند که تاکنون خارج از معاهده NPT باقی مانده و بالطبع در معرض هیچ یک از محدودیت هایی که این معاهده بر امضاکنندگان آن اعمال می کند، قرار ندارند (هاشمی، ۱۳۸۵). بدین ترتیب، از نگاه ایران، اسرائیل در توسعه و ایجاد زرادخانه های وسیع و غنی از تسلیحات کشتارجمعی بدون هراس از روبه رو شدن با تنبیه های احتمالی کاملاً آزاد است و همزمان همسایگان خود را نیز با استفاده از این توانایی مورد تهدید قرار می دهد. ایران به رغم عضویت خود در NPT نه تنها با فشار وسیع ایالات متحده روبه رو بوده بلکه بسیاری از دوستان و یا متحدان آمریکا حتی مانع دسترسی این کشور به تکنولوژی هسته ای می شود. ایرانیان همزمان به صورت مشابه نگران تسلیحات هسته ای هند و پاکستان هستند؛ دو کشوری که به دلیل تغییرات قابل توجه و بنیادین سیاست آمریکا در قبال منطقه به ویژه پس از حوادث ۱۱ سپتامبر به صورت رسمی عضو باشگاه دارندگان تسلیحات هسته ای شده اند (گلشن پژوه، ۱۳۸۶).

راه کارهای حل و فصل پرونده هسته ای ایران؛ با توجه به تعامل گرایی برایان فی و نظریه سازه انگاری

پرونده ایران از ابتدای سال ۲۰۰۳ تاکنون به استثنای فوریه سال ۲۰۰۵، در دستور کار شورای حکام قرار داشته است. در طی این مدت وضع پرونده ایران فراز و نشیب هایی فراوانی داشته و در مواردی حتی صحبت ارجاع پرونده به شورای امنیت مطرح بوده است. یک علت عمده این وضع آن است که ایران سالهاست سیاست ضد غربی و ضد آمریکایی را با جدیت دنبال کرده و حتی در مواردی که به ضرر قطعی خودش بوده در ارایه آن لجاجت نموده و در نتیجه غرب را در مقابل خود قرار داده است.

ایران تاکنون چندین بار نظر خود را در مورد نقایص و کوتاهی های خود تغییر داده است. مواضع ایران تا پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی این بود که از جانب این کشور کوتاهی ها و قصوری صورت گرفته که تمام فعالیت های خود را به موقع به آژانس اطلاع نداده است. معهذاً ایران تأکید داشته که پس از شروع بازرسی ها و در خواست آژانس، همکاری لازم را نموده و همه اطلاعات موجود را در اختیار بازرسان قرار داده است. این اظهارات تا حدی درست است زیرا پاره ای موارد سوء ظن ها بر اساس بازرسی رفع شبهه شدند و برای آژانس روشن گردید که اطلاعات داده شده از سوی ایران درست بوده است. ایران از مشکل خود با آژانس به عنوان «کوتاهی» و «قصور» نام می برد در حالی که آژانس از «نقض» معاهده صحبت می کند که بار حقوقی سنگین تری دارد. از نظر آژانس ایران تعهدات خود را نقض کرده که به موقع فعالیت ها ی خود را اطلاع نداده است (www.highbeam.com). تغییر عمده ای که در موضع گیری ایران پس از انتخاب احمدی نژاد به عنوان رئیس جمهور پیش آمده این است که ایران اصلاً هیچ کوتاهی نکرده و تمام فعالیت هایش کاملاً مطابق تعهداتش بر اساس NPT بوده است.

¹ Governing council.



یک استدلال مهم ایران نیز این است که نمی‌تواند برای تأمین سوخت نیروگاه‌های خود به خارج اعتماد کند. دلیل این بی‌اعتمادی تحریم‌هایی است که در تمام دوران پس از انقلاب بر ایران اعمال شده است. مضافاً ایران استدلال می‌کند چون اورانیوم و فن‌آوری لازم برای غنی‌سازی در داخل کشور وجود دارد، دلیلی برای وابستگی به خارج برای تأمین سوخت نیروگاه‌ها نیست.

مخالفت غرب و به خصوص آمریکا با برنامه هسته‌ای ایران در وحله اول حاصل بی‌اعتمادی است. برای این بی‌اعتمادی دلایل زیادی وجود دارد. صرف نظر از سیاست خارجی غرب ستیزانه ایران، عملیات ایران در زمینه هسته‌ای ایجاد سو ظن نموده است. از جمله این سوال مطرح بوده که اگر واقعاً هدف صلح آمیز است، ساختن کارخانه آب سنگین و تولید پلوتونیوم چیست؟ (www.washingtonpost.org).

بنابراین بی‌اعتمادی تنها ناشی از سیاست خارجی خصمانه نیست. ایران اعمالی انجام داده که این شک را ایجاد کرده است. این اعمال قابل فهم است و رهبران ایران احتمالاً به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به موقعیت جغرافیایی و سیاسی ایران و اینکه آمریکا و اسرائیل دشمن ایران فرض می‌شوند و هر دوی آنها سلاح هسته‌ای دارند، تصمیم استراتژیک ایران باید این باشد که به سلاح اتمی دست یابد. البته اینکه یک چنین تصمیمی و ارزیابی از وضعیت جغرافیایی سیاسی کشور صحیح است یا نه جای بحث دارد.

با توجه به این مطالب، و با در نظر گرفتن مبانی تئوریک مقاله، یکی از راه‌حل‌هایی که می‌تواند سوء تفاهم‌ها و سوء ظن‌هایی که بین دو طرف، یعنی ایران و جامعه جهانی، بالاخص قدرت‌های بزرگ جهان، وجود دارد، را برطرف و یا حداقل کم‌رنگ‌تر کند، ایجاد فضای گفتگو، اعتماد متقابل و به رسمیت شناختن طرف مقابل می‌باشد. همانطور که در مورد نظریه سازه‌انگاری گفته شد، باید توجه داشت که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. همچنین، این معنا سازی با ایجاد فضای درک متقابل ایجاد می‌شود. در این وضعیت است که نقاط مشترک منافع دو طرف تعریف می‌شود، روابط نهادینه می‌شود، برای اهداف و منافع یکدیگر ارزش قائل می‌شوند، و این می‌تواند نقطه شروع تعامل بین دو طرف باشد.

با این تحلیل می‌توان گفت بهترین استراتژی‌ای که می‌تواند منافع کشور را به طور کلی، و منافع هسته‌ای ایران را به طور اخص، تأمین و تضمین کند «استراتژی رفع تنش» یا «اعتماد سازی» است. تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی اگر بخواهند «اجماع جهانی علیه ایران» را به هم بزنند، استراتژی تنش زدایی، باید سرلوحه سیاست خارجی کشور قرار گیرد. بنابراین، «استراتژی تنش زدایی» هم در داخل و هم در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی می‌بایست مدنظر قرار گیرد. «سیاست تقابل»، اساساً برای شرایطی که در آن قرار داریم، سیاست خوبی نیست، بلکه سیاست تقابل محدودیت‌ها را به ما تحمیل می‌کند، هزینه‌ها را افزایش داده و از توان ما می‌کاهد. بنابراین، «سیاست تعامل» با هدف اعتماد سازی است که کلید حل بسیاری از مشکلات، به ویژه شکستن اجماع جهانی علیه ایران است و این امر در گرو توجه به دو اولویت در عرصه بین‌الملل است:

(۱) رویکرد سیاست منطقه‌ای ایران باید تعاملی‌تر و بر محور استراتژی تنش زدایی و اعتماد سازی تعمیق شود.

(۲) اعتماد سازی و تنش زدایی در سطح بین‌المللی باید با استفاده از ظرفیت‌های داخلی و کشورهای مؤثر در عرصه سیاست بین‌الملل صورت پذیرد.

بدین صورت، اقدامات عملی را باید در تعامل با جهان دید و نباید مطلق‌گرا بود و مسائل را سیاه و سفید دید. باید با توجه به منافع کشور، با همه کشورهای مؤثر در تصمیم‌سازی جهانی، بالاخص تصمیم‌گیران عرصه بین‌المللی نظیر اروپا تعامل جدی داشت، این امر نیازمند انعطاف‌پذیری نیز هست. تعامل و تقابل در جان‌دیپلماسی جهانی نهفته است، و تقابل آخرین راه است و تعامل ابتدای آن راه و طولانی‌ترین آن، که به سیاست ورزی، صبر و بردباری، هوش و ذکاوت نیازمند است. همچنین، باید توجه داشت که رویکرد واقع‌بینانه و عملگرایانه کشورها منجر به تعامل سازنده شود.

همانگونه که در تعامل‌گرایی برایان فی و نظریه سازه‌انگاری گفته شد، ساختار و کارگزار متقابلاً بر هم تأثیر می‌گذارند. بازیگران هم بر محیط خود تأثیرگذار هستند و هم از آن تأثیر می‌پذیرند. در این میان باید به محدودیت‌ها و فرصت‌هایی که محیط برای آنها بوجود می‌آورد توجه داشته باشند.

بحث دیگر در مورد دیالکتیک و گفتگو از طریق عقلانیت ارتباطی است؛ گفتگو در عرصه جهانی با استدلال درست و قانع‌کننده می‌تواند باعث تغییر رفتار کشورهای دیگر در جهت پرونده هسته‌ای ایران شود. به عنوان مثال، بحث معاوضه سوخت هسته‌ای، که توسط جمهوری اسلامی ایران مطرح شد می‌توانست یکی از گام‌های کشور به سوی اعتماد سازی و تعامل با جهان باشد، که متأسفانه این فرصت توسط تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی به خوبی مورد استفاده قرار نگرفت. هرچند تولید سوخت ۲۰ درصد کاملاً جزء حقوق شناخته شده همه اعضای آژانس است، زیرا تولید



سوخت ۲۰ درصد کاملاً در راستای اهداف صلح آمیز است و ارتباطی با اهداف غیرصلح آمیز ندارد (www.did.ir)، اما، ایران نیاز دارد که در فضایی که ایران هراسی در منطقه و جهان رشد پیدا کرده است، تلاش‌هایی را در جهت خنثی کردن آن انجام دهد. ایران برای دستیابی به اهداف هسته‌ای خود باید روحیه تعامل و به رسمیت شناختن قدرت‌های جهانی را در دیپلماسی خود تقویت کند.

در انتهای این محث، باید گفت که همانطور که در مباحث پیشین مطرح شد، منافع و هویت‌ها از پیش تعیین شده و ثابت نیستند؛ بلکه نتیجه تعامل اجتماعی اند و در فرآیندهای بین‌المللی در معرض تغییر و پویایی قرار دارند. نمی‌توان به غرب و آمریکا به عنوان، هویت‌های ثابت و غیرقابل تغییر که خواهان عقب‌مانده بودن ایران هستند و منافع آنها با منافع ایران در تضاد کامل قرار دارد، نگاه کرد. همچنین، باید فضایی را به وجود آورد که جامعه جهانی از آثار هسته‌ای شدن ایران در هراس نباشد. باید به موضوعات فرآیندی و هیبریدی نگاه کرد؛ نگاه فرآیندی مستلزم ورود به عرصه تعامل، با پیش‌فرض خواست دو طرف برای حل و فصل مسالمت‌آمیز پرونده هسته‌ای ایران، بر پایه منافع دو طرف است. همچنین، ایران برای حل و فصل پرونده هسته‌ای خود، باید قادر باشد از انواع تعاملات، از جمله مذاکره و چانه‌زنی، بحث و استدلال، بهره‌برد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث پیشین می‌توان گفت که تنها با استفاده از دیپلماسی تعامل‌گرایانه است که پرونده هسته‌ای ایران می‌تواند به نتایج مثبتی برسد و حقوق هسته‌ای کشور به نحو مطلوبی تأمین شود. به این دلیل که، رویکرد تعامل‌گرا بر این باور است که ایران و غرب دارای منافع مشترکی هستند که در صورت تعامل و اعتمادسازی محقق خواهد شد. همچنین، با نگاهی به گذشته و آنچه که در روند پرونده هسته‌ای ایران سپری شده، می‌توان گفت که سیاست‌های تقابلی گرایانه با جهان نتایج مثبتی را برای ایران در پی نداشته است. در فضای کنونی و با در نظر گرفتن تحولات رخ داده در جهان رویکردی که می‌تواند بهترین دستاورد را در پرونده هسته‌ای ایران به دنبال داشته باشد، رویکرد تعامل‌گرایانه با جامعه جهانی، با استفاده از شیوه عقلانیت ارتباطی است.

منابع:

- ابوالفتح، امیرعلی (۱۳۸۴)، «برنامه هسته‌ای ایران»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۵۷، ۱ مرداد.
- بیلیس، جان و اسمیت، استیو و دیگران (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین، تهران: انتشارات ابرار معاصر، جلد اول.
- توحیدفام، محمد (۱۳۸۷)، «نقش و تأثیر پارادایم‌های روش‌شناسی و معرفت‌شناسانه بر نظریه‌های جدید جامعه‌شناسی سیاسی»، ارائه شده در همایش انجمن علوم سیاسی ایران: آموزش علوم سیاسی، چشم انداز و راهکارها، ۷ خرداد.
- حیدری، داود (۱۳۸۳)، «راهبرد اروپا و آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران»، همشهری دیپلماتیک، سال دوازدهم، شماره ۳۲، ۱۴ آذر.
- دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۸۷)، ایران هسته‌ای، تهران: انتشارات مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌ها.
- شعبانی سارویی، رمضان (۱۳۸۵)، ایران هسته‌ای: فرصت‌ها و چالش‌ها، تهران: اعتدال.
- غریب‌آبادی، کاظم (۱۳۸۶)، پرونده هسته‌ای ایران به روایت اسناد، تهران، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات.
- فی، برایان (۱۳۸۳)، نظریه اجتماعی و عمل سیاسی: بررسی رویکردهای پوزیتیویستی، تفسیری و انتقادی، ترجمه محمد زارع، تهران: انتشارات مؤسسه ایران.
- فی، برایان (۱۳۸۶)، فلسفه امروزین علوم اجتماعی با نگرش چندفرهنگی، ترجمه خشایار دهییمی، تهران: طرح نو.
- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۶)، پرونده هسته‌ای ایران: روندها و نظرها، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- لینک لیتر، آندرو (۱۳۸۶)، نو واقع‌گرایی، نظریه انتقادی و مکتب‌برسازی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: انتشارات سمت.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال ۱۷، ش ۴، زمستان.
- هاشمی، سیدحمید (۱۳۸۵)، پرونده هسته‌ای ایران: سیر تاریخی و نظریه‌ها، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



Dueck, Cokin, Takeyh, Ray (2007), "Iran's Nuclear Challenge", Political Science Quarterly, vol.122, no.2, September.

Fay, Brian (1987), Critical social science: liberation and its limits , NY: Cornell University Press.

Fay, Brian, Moon, J. Donald (1994), "What would an adequate philosophy of social science look like?", Philosophy of Social Science, vol.7.

Hartley, Karen C. (1992), "Socialization by Way of Symbolic Interactionism and Culture Theory: A Communication Perspective", Paper presented at the Annual Meeting of the Speech Communication Association, 78th, Chicago, IL, October 29-November 1.

Hickman, Larry A. (2007), Pragmatism as Post-Postmodernism, Lessons from John Dewey, New York: Fordham University Press.

<http://www.did.ir>.

<http://www.highbeam.com/November 2, 2004>.

<http://www.washingtonpost.org>.